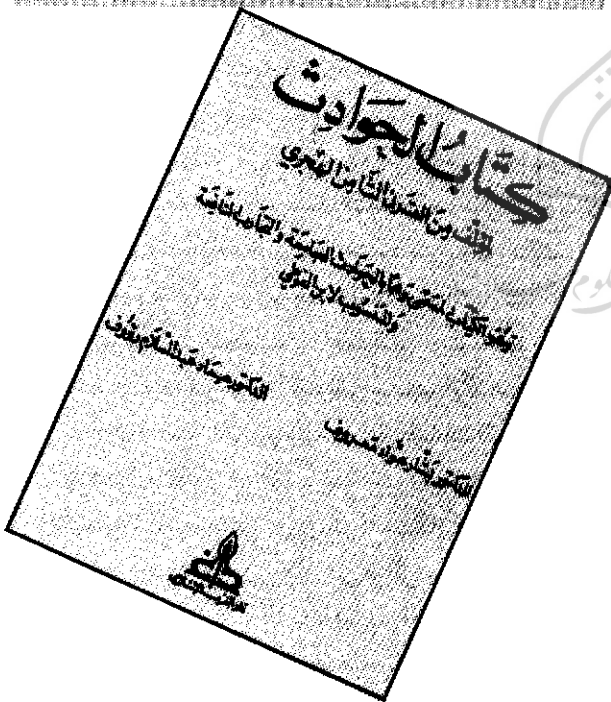


نظری بر

کتاب الحوادث

محمدعلی سلطانی



کتاب الحوادث. مؤلف: نویسنده ای در قرن هشتم هجری. محققان: دکتر بشار عواد معروف و دکتر عماد عبدالسلام رؤوف. چاپ اول: بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۷، ۶۵۰، وزیر.

«کتاب الحوادث» کتابی تاریخی از نویسنده ای گمنام است که به خاطر نامعلوم بودن نام اصلی کتاب و به تناسب محتوای آن از سوی محققان نام «کتاب الحوادث» بر آن نهاده شده است. کتاب از نویسنده ای از قرن هشتم هجری است که همچنان نام، تاریخ تولد، وفات، تحصیلات، آثار و دیگر مشخصه های فردی و شخصیتی او نامعلوم است. اولین اطلاع و آگاهی از وجود چنین اثری، نمود خود را در مقاله ای با عنوان «کتبی المخطوطه» از جرجیس صفا در سال ۱۹۰۲ میلادی در مجله المشرق نشان داد. جرجیس صفا در این مقاله بدون یادکرد نام کتاب مطلبی از آن درباره مدرسه مستنصریه و ساعت شگفت انگیز آن می آورد. پنج سال بعد، در همان مجله شیخو به تکامل ایوان ساعت مقابل مدرسه مستنصریه می پردازد و منبع آن را کتابی قدیمی معرفی می کند که در واقع همین کتاب است. جرجیس صفا یازده سال پس از نشر مقاله یادشده اش در مقاله ای با عنوان «تعریف بعض مخطوطات مکتبی» به معرفی این کتاب می پردازد و می نویسد:

«کتاب تاریخی است با خط قدیمی و زیبا، حدود صد برگ و با قطع کامل، آغاز آن افتاده و نویسنده اش نامعلوم است. این کتاب را با چندین کتاب مقابله کردم، ولی جزو هیچ کدام از آنها نبود. با توجه به اینکه روی بعضی سطرها خط کشیده شده و با همان خط مطلب دیگری نوشته شده و در مواردی برگی روی برگ دیگر چسبانیده شده که مطالب برگ دوم غیر از مطالب برگ زیری است، و بعضی از صفحه ها و یا قسمتی از صفحه ها سفید گذاشته شده است، نشان می دهد که نسخه به خط خود مؤلف است»

در سال ۱۹۲۰ شیخو مقاله ای با عنوان «شذرات تاریخیه من صحائف منسیه» در مجله یاد شده نگاشت و یادآور شد که آن را

از «کتاب تاریخی قدیمی» نقل کرده است؛ کتابی که جرجیس صفا آن را توصیف کرده و نسخه آن در دست احمد پاشا تیمور در مصر است و کتاب در واقع همین «کتاب الحوادث» بود.

نسخه احمد پاشا همان نسخه صفا بود که توسط سرکیس کتبی برای او خریداری شده بود و دست و دل‌بازی احمد پاشا موجب شد که چندین نسخه از روی آن نوشته شود و فتوکپی آن توسط خود وی به کتابخانه اوقاف عراق هدیه شد و زمینه‌ای شد تا دکتر مصطفی جواد در سال ۱۹۳۲ میلادی آن را تصحیح و منتشر کند. دکتر مصطفی جواد همچون یعقوب سرکیس و شیخ محمدرضا شبیبی مؤلف کتاب **مورخ العراق ابن الفوطی** به غلط آن را «الحوادث الجامعه و التجارب النافعه» نام گذاری کرد و آن را همان کتاب الحوادث الجامعه ای پنداشت که بعضی مورخان شرح حال نگار از جمله آثار کمال الدین عبدالرزاق بن احمد شیبانی معروف به ابن فوطی متوفای ۷۲۳ هجری قمری یاد کرده‌اند.

دکتر مصطفی جواد، مصحح نخست کتاب بعدها به اشتباه بودن این انتساب آگاه می‌گردد و در تعلیقاتی که به کتاب «مورخ العراق ابن الفوطی» شیخ محمدرضا شبیبی می‌زند، آن را تصحیح می‌کند و می‌نویسد:

«... بعدها برای من روشن شد که این کتاب، الحوادث الجامعه نیست و به گمان بسیار ضعیفی هم نمی‌توان چنین پنداشت چون خط آن دو فرق می‌کند، بین روش هایشان اختلاف وجود دارد و در شرح حال‌ها منش آن دو گوناگون است. از سوی دیگر شخصیت مؤلف الحوادث مجهول است ولی شخصیت ابن فوطی در **تلخیص معجم الألقاب** نمایان است. افزون بر آنکه بنابر آنچه که در **ذیل طبقات الحنابلہ** ابن رجب و **کشف الظنون** حاجی خلیفه آمده «الحوادث الجامعه» [برخلاف این کتاب] کتابی درباره درگذشتگان است. از طرف دیگر هیچ مورخی از همدوره‌های ابن فوطی و یا کسانی که بعد از او آمده‌اند و حتی شمس الدین ذهبی که آگاه‌ترین پژوهنده در آثار ابن فوطی است و از آنها بیش از همه نقل می‌کند، چیزی از این کتاب نقل نمی‌کند و تنها در شرح حال ابن فوطی به وجود چنین اثری از وی اشاره می‌کند.»

دکتر جواد در هر فرصتی که به دست آورده به تصحیح اشتباه نخست خود پرداخته است، حتی در مقدمه جلد چهارم «تلخیص مجمع الآداب» ابن فوطی که در سال ۱۹۶۲ نشر داده، این امر را یادآور شده است.

با تأکیدهای مصطفی جواد بر نادرستی انتساب کتاب به ابن فوطی، نام مؤلف کتاب بار دیگر در هاله ابهام قرار گرفت. این امر با همه اهمیت آن، ارزش و اعتبار ذاتی کتاب را زیر سؤال

نبرد و وجود اطلاعات گسترده و سودمند در آن از دوره‌ای بسیار تاریک و مجهول از تاریخ عراق و جامعه اسلامی در نیمه دوم قرن هفتم و پس از حمله مغولان و متلاشی شدن خلافت عباسیان، کتاب را حیاتی و مهم ساخت. نواقص تحقیق دکتر مصطفی جواد که بیشتر ناشی از ناپختگی‌های تحقیقاتی دوره جوانی وی بود، تحقیقی دوباره را می‌طلبید که در سال ۱۹۹۶ میلادی توسط آقایان دکتر بشار عواد معروف و دکتر عماد عبدالسلام رؤوف انجام گرفت.^۱

نکات سودمند و بهره‌های فراوانی در این اثر ارزشمند است که باید پژوهشگران به تنظیم و ارائه آن پردازند. در این نوشته به بعضی از این مطالب اشاره می‌گردد:

۱. اطلاعات مردم‌شناسی

مؤلف در مواردی از کتاب به رفتارها، باورها و عادات مردم بغداد در دوره تاریخی موضوع کتاب پرداخته که برای شناخت مردم آن دوره بسیار مفید است و می‌تواند کمک خوبی برای پژوهشگران در این باره باشد. از جمله این موارد یادکرد از خرافات و تأثیر آن در مردم آن روز است که سطح نازل فرهنگ و آگاهی مردم را نشان می‌دهد. در حوادث سال ۶۴۵ در جریان گزارش شیوع بیماری خفقان و مرگ و میر ناشی از آن، ادعای زنی را مبنی بر مرگ فرزند جنی به نام ام عنقود می‌شنویم که در چاهی در بازار سلطان افتاده بود و بی‌تفاوتی مردم در مقابل این مرگ موجب انتقام جن یاد شده از مردم می‌شود، مردم ساده لوح در پی این جریان در کنار چاه مزبور خیمه‌ای می‌زنند و اشک می‌ریزند، شعر می‌خوانند و عزاداری می‌کنند و لباس، زیورآلات و نان و گوشت، مرغ و حلوا به چاه می‌ریزند تا جن یاد شده را به سر مهر آورند. (ص ۲۶۰-۲۶۱) در حوادث سال ۶۴۸ از اعتقاد مهتر فراشان دار الخلافه یاد می‌کند که چگونه بر جنیان حکمرانی می‌کند و زمانی که فردی از آنان از فرمان وی سرپیچی کند سال‌های سال او را در زندان حبس می‌کند. مؤلف این حادثه را از ابن الساعی نقل می‌کند و در حل تعارض بین هوشمندی این فراشباشی و ادعاهای سبک وی، شگفت‌زدگی و تحیر ابن الساعی را نیز گزارش می‌کند. (ص ۲۹۶-۲۹۷)

در حوادث سال ۶۷۷ از شایعه پیدایش نورهای تا به آسمان سر کشیده در پشت بغداد و خواب‌های فراوان مبنی بر یافته شدن قبور مقدسی یاد می‌کند که زندگی مردم را فلج کرده بود و هر روز از شفاء بیماران و بینایی کوران اخبار تازه می‌رسید، به حدی که

۱. به نقل از مقدمه محققان

وارد منازل افراد می شوند و دارایی منزل را به غارت می برند (ص ۱۴۷) و یا گروه های دزدی تشکیل می شود و شبانگاهان به منازل افراد وارد شده و مایملک افراد را به یغما می برند (ص ۱۴۷-۱۴۸)؛ کتیزکان با دزدان همدستان می گردند و انبار مالکانشان را می زنند (ص ۲۳۴)؛ در خیابان عمامه های مردم را برداشته و پا به فرار می گذارند؛ لباس مردم را روز روشن از حمام ها می دزدند، مغازه ها را می زنند و مردم را در ترس و وحشت گرفتار می سازند (ص ۳۲۱).

فقر و نداری اعمال شیعی همچون کفن دزدی را رواج می دهد (ص ۳۲۳). نویسنده گرانی های دهشت زایی را گزارش می کند که مردم را به فروش فرزندان شان واداشته و یا آنان را به خودکشی و رهایی از گرسنگی ترغیب کرده است (ص ۴۴۵، ۴۸۱-۴۸۲) و گاه به تزویر و زدن سکه قلب روی آوردند (ص ۴۴۴).

۳. گسترش قساوت ها و روحیه خشونت

مؤلف در لابه لای حوادث شیوع گونه هایی از قتل و مثله و بدرفتاری از سوی مردم یا حاکمان را نقل می کند که به روشنی بیانگر گسترش روحیه خشونت و قساوت قلب در بین مردم آن روزگار است؛ از تحمل صد ضربه عصا، قطع زبان و زندانی شدن در بین بیماران روانی، از سوی عالمی چون ابن المنی - که گویا بعضی از ریشه های ناهمگون با فرهنگ حاکم داشت - سخن می گوید (ص ۳۱)؛ درباره سرباز ترکی که به خاطر نگرفتن موجب به فقر و گرسنگی گرفتار می شود و در نتیجه دست به شمشیر می برد و گزارش می کند که چگونه دو روز تمام مصلوب بوده است (ص ۴۳ و ۵۲۷)؛ از بدرفتاری شیعی یکی از بزرگان اربل با زن بینوایی گزارش می کند که در نوع خود از شکنجه های کم نظیر است (ص ۲۱۳)؛ از غار عمیق مخصوص کشتار زنان گناهکار در شیراز سخن می گوید که از بالای غار گناهکار را در آن پرت می کردند و راه خروجی نداشت و گناهکار در آنجا با مرگ دست و پنجه نرم می کرد (ص ۵۰۰) و این که نورالدین عبدالرحمان در دوران حاکمیت خود چگونه مرام بهاءالدین ابن شمس الدین جوینی را در کشتارهای فجیع و مثله کردن دوباره برقرار کرد (ص ۵۲۶) و حتی زنان را گاه عریان مصلوب می کردند (ص ۵۲۶) و یا زبان معترضان را می بریدند (ص ۱۹).

۴. اوضاع فرهنگی و علمی

مؤلف الحوادث در جای جای کتاب از مظاهر فرهنگ و نمودهای گسترش دانش و یا سقوط آن گزارش می دهد. از مدارس علمی، توجه یا بی توجهی حاکمان و امیران به آنها،

حکومت مجبور می شود برای آرام کردن اوضاع و قطع شایعه ها همه قبور آن ناحیه را به آستانه موسی بن جعفر (ع) منتقل کند و با چنین اقدامی سر و صداها و شایعه ها از بین می رود (ص ۴۴۱). مؤلف در ضمن، با نقل حوادثی از چگونگی بهره گیری شیادان از این روحیه خرافه پرستی مردم و حاکمان یاد می کند. در حوادث ۶۷۷ چگونگی گم شدن و کشته شدن کودکی را نقل می کند که فردی پس از ارتکاب قتل، وی را در محلی دفن می کند و آنگاه ادعا می کند که یکی از فرزندان ائمه (ع) در این مکان مدفون است و وی در خواب به محل دفن او اطلاع پیدا کرده است. پس از کشف جریان و تحقیق از مردم معلوم می شود که بیننده خواب مردی کم اعتقاد، شیاد و نابخرد است (ص ۴۴۲). در مورد دیگری چگونگی فریب خوردن و آلت شدن ابا قحطان شاه توسط یک شعبده باز ظاهر ساز را نقل می کنند (ص ۴۶۸). از این دست گزارش ها در این کتاب فراوان وجود دارد و همگی نمایانگر گسترش خرافه پرستی مردم آن روزگار است.

از گزارش های سودمند برای شناخت رفتارهای مردم آن روز، گزارش های مؤلف درباره درگیری های مذهبی و یا قبیله ای بر سر مسائل بسیار کوچک و کم ارزش است. در حوادث ۶۴۰ از مراسم «حیوان درنده کشی» یاد می کند و این که اجرای این عبادت و رسم، خون هایی را هدر داد، منازل و مغازه ها و محلات را ویران ساخت و زن هایی را به اسارت کشاند (ص ۲۰۴-۲۰۵ و نیز صفحه ۴۹۰) و در حوادث سال ۶۵۴ از فتنه ای که در منطقه کرخ به خاطر قتل یکی از اهالی قطیف تا به وجود آمد، یاد می کند و از اموالی که در این جریان به غارت رفت و از زنان حتی سادات، که به اسارت گرفته شدند گزارش می دهد. (ص ۳۳۳) وی همچنین در ادامه گزارش حوادث سال ۶۵۴ درگیری بین اهالی منطقه ابی حنیفه و منطقه رصافه را نقل می کند و شمار افرادی که در این نزاع محلی کشته شدند را یادآور می شود (ص ۳۳۹).

۲. معیشت مردم و رفتارهای ناشی از آن

مؤلف ضمن گزارش زندگی مرفه و پرخرج حاکمان، وابستگان خلیفه و درباریان، از سختی زندگی توده مردم و گسترش فقر و نداری سخن می گوید. او همچنین گزارش هایی از دزدی ها، کلاه برداری ها، خودکشی ها و ده ها فساد ناشی از فقر و نداری ارائه می دهد که برای هر پژوهنده ای، آگاهی از این امور برای بررسی اوضاع دوره تاریخی موضوع کتاب مفید است. چه بسیار افرادی که به گمان داشتن طلا و جواهرات به دست دزدان کشته و ناپدید می شوند (ص ۷۶)؛ زنان به حیله

بالاترین قیمت و صرف آن در تعمیر حرم (ص ۲۸۸)؛ تعیین متولی برای حرم امیرالمؤمنین (ع) (ص ۲۵۸)؛ بنای رباط در کنار حرم آن بزرگوار و وقف اموال برای ساکنان آن توسط علاءالدین (ص ۳۹۱) تخریب قسمتی از دیوار حرم موسی بن جعفر (ع) توسط فسرآوانی باران (ص ۲۷۳، ۲۷۷، ۳۳۳) وقف املاك، ساخت ضریح و صندوق، اهدای فرش و قندیل و دیگر وسائل مورد نیاز حرم موسی بن جعفر، از سوی مهتر فراشان دارالخلیفه عبدالغنی فاخر (ص ۲۹۷). گزارش مدفونان در کنار حرم آن حضرت و نیز شرح حال بسیاری از بزرگان شیعه و نقیبان علویان.

سبک تاریخ نگاری کتاب

کتاب بر اساس سالشمار حوادث تنظیم یافته است. مؤلف نخست حوادث سیاسی، درگیری های بین حاکمان و امیران و وزیران و دیگر سردمداران حکومتی را بیان می کند. منصوبان و مخلوعان از مناصب سیاسی، مالی، علمی و آموزشی را یادآور می شود. ساخت، تکمیل و یا شروع به بناها و طرح های آموزشی، درمانی، مذهبی را ذکر می کند، حوادث طبیعی و آفت های آسمانی را گزارش می کند و آنگاه در گذشتگان آن سال را می شمارد. در گزارش درگذشتگان نکات برجسته زندگی علمی، سیاسی و فرهنگی آنان را بیان می دارد. در مواردی به روابط آنان با دیگران اعم از ارتباط استاد شاگردی، نسبی و سببی را یادآور می شود. مشاغل آنان را یادآور می گردد. در لابه لای این گزارش ها حوادث غیر عادی از قبیل خودکشی ها، شکنجه ها، خواب نماها، درگیری های قومی و قبیله ای و مذهبی، ازدواج ها و عروسی ها، گرسنگی ها، دزدی ها و حقه بازی ها، بخش هدایا و نذورات و ده ها موضوع کوچک و بزرگ را ذکر می کند.

در پانوشت کتاب محققان توضیحات فراوانی درباره معانی لغات مشکل، تعیین محدوده اماکن مورد اشاره در متن، تحریفات و مقطعات چاپ قبلی، ناسازگاری های گزارش ها در بعضی موارد، منبع بعضی از حوادث در دیگر کتاب ها، توضیح پاره ای از عناوین و مصطلحات دولتی و حکومتی، اظهار نظر درباره سند روایات موجود در کتاب با بهره گیری از آرای دانشمندان رجال اهل سنت که در این خصوص نگرش ضد شیعی محققان نمود روشنی دارد (ص ۱۸۳) و دیگر موارد نیازمند به شرح و توضیح، ارائه می کنند.

کتاب دارای چهار نوع نمایه است که عبارتند از ترجمان، اعلام، کتب، امکنه و بقاع. خواندن کتاب برای محققان در حوزه تاریخ بسیار مفید است.

حوادث مربوط به بنیان گذاری، تعمیر و یا گسترش آنها را نقل می کند. تعیین اساتید یا مسؤولان مدارس، خلع آنان و سلب حق تدریس آنان، بذل و بخشش ها به مدرّسان و دانشوران از مسائلی است که مورد توجه فراوان نویسنده الحوادث است (ص ۱۷، ۱۸، ۴۴-۴۵، ۹۱، ۲۳۰، ۲۵۲ و ...) همچنین از روند مباحث علمی و فکری، درگیری ها و اختلافات کلامی (ص ۲۸۷) دستور وزیر خلیفه وقت به مسدود شدن باب اجتهاد در بین سنیان (ص ۲۶۸) نگارش آثار و کتب علمی (ص ۲۸۰، ۳۶۷) شرح حال عالمان و فقیهان و سالمرگ آنان (در پایان گزارش حوادث هر سال) گسترش کتابخانه ها و یا اضمحلال و از بین رفتن آنها (۸۱)، ۲۰۹، ۲۱۳، ۳۸۲ و ...) حوادث مربوط به اوقاف اموال برای مدارس، مساجد، رباطها، خانقاه ها، بیمارستان ها (ص ۳۲، ۳۴، ۹۱، ۲۰۹، ۲۴۵ و ...) حج گزاران و حوادث مربوط به حاجیان (ص ۲۲، ۱۱۹، ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۰۳ و ...).

۵. حوادث و پدیده های طبیعی

مؤلف تلاش کرده حوادث و پدیده های طبیعی که در طول این قرن اتفاق افتاده و در مواردی زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده است، گزارش کند (ص ۲۵۵-۲۷۲، ۲۷۸، ۳۱۱، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۳۳-۳۳۵، ۴۳۱، ۴۴۴، ۵۰۵ و ...).

۶. اخبار علویان و گزارش های مربوط به شیعه

از جمله مواردی که در کتاب نمود روشنی دارد، گزارش هایی است که مؤلف درباره علویان، مزار امامان (ع) فقیهان و دانشوران شیعی دارد. از قبیل: زیارت خلیفه مستنصر بالله از مرقد موسی بن جعفر (ع) و کمک به علویان نجف، کربلا و کاظمین (ص ۱۲۴) جریان وقوع آتش سوزی در سامراء و سوختن ضریح امام هادی و امام عسکری (ع) و تعمیر آن توسط خلیفه و دفاع مؤلف از حرمت و شخصیت امامان (ع) و پاسخ به آنانی که وقوع چنین حوادثی را ناقض حرمت آن بزرگواران می دانند و تأکید بر این که:

هم معشر جبهم دین و بغضهم

کفر و قریهم منجی و معتصم

[آنان گروهی هستند که دوستی شان دین و دشمنی با آنان کفر است و نزدیکی به آن نجات بخش و نگهدار می باشد] (ص ۱۸۱-۱۸۳) منع عزاداری به دستور مستعصم در سرتاسر عراق بجز در حرم موسی بن جعفر (ع) (ص ۲۱۲)؛ دیدار وی از حرم آن حضرت (ع) و پیاده روی در زیر باران و نیز زیارت قبر سلمان توسط وی (ص ۲۱۳)؛ دستور خلیفه به تعمیر دیوار حرم حضرت موسی بن جعفر و یافتن گنج زیر دیوار و حراج آن به